

رانت، دولت رانتیر و پیامدهای آن

ابوالقاسم طاهری*

دیباچه

مقوله رانت و دولت رانتیر و تعاملات آن با حوزه سیاست و اقتصاد و فرهنگ امری بسیار مهم است چون در توزیع منابع ثروت و قدرت و در نتیجه در ترسیم معادلات اقتصادی و سیاسی چه در عرصه سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی نقش بسزایی را ایفا می‌کند و در نتیجه در نیک بختی و سعادت و یا در سیه روزی و نگون بختی یک سرزمین و مردمانش تأثیر بسزایی دارد. رانت و رانت‌جویی یک زندگی ناسالم است که پیامدها و عوارض منفی بی‌شماری از خود به جای می‌گذارد و نه تنها برای نسل کنونی مشکل ایجاد می‌نماید بلکه یک میراث شیطانی نیز برای نسلهای آینده از خود برجای می‌گذارد و در بعد اقتصادی باعث تمام کردن منابع اقتصادی زیر زمینی، عدم پیشرفت اقتصادی، سیاسی و در عرصه فرهنگی نیز به فراگیر ساختن فرهنگ چاپلوسی و مداحی برای صاحبان رانت می‌انجامد و در نتیجه فرهنگ عمومی را از عرصه صداقت و راستی تهی می‌کند. همچنین رانت و رانت‌جویی علاوه بر آثار منفی در بخش کشاورزی موجب مصرف‌گرایی، بحران اقتصادی، مهاجرت، اعتیاد، انحطاط اخلاقی، توسعه و گسترش دیوانسالاری، فساد اداری، ارتشاء، نابرابری شدید اجتماعی، استبداد و غیره می‌شود.

* دکتر ابوالقاسم طاهری، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی است.
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال سوم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۴۶-۱۲۲

محور اصلی این نوشتار در زمینه اثرات رانت و دولت رانتیر است که این آثار بر روی دولت، رشد دموکراسی، اجتماع، دولت و جامعه و بخصوص بر اقتصاد و توسعه اقتصادی می‌باشد و پرسش کلیدی نوشتار پیش‌روی این است که رانت و دولتهای رانتیر دارای چه آثاری می‌باشند؟ فرضیه این است که رانت و دولتهای رانتیر با توجه به عملکردهای آنها دارای آثار منفی بر روی دولت، رشد دموکراسی اجتماع، جامعه و دولت و همچنین اقتصاد و توسعه اقتصادی می‌باشد.

رانت

رانت Rente یک کلمه فرانسوی است که مشابه آن در سایر زبانهای اروپایی نیز وجود دارد (رنت) (دنویت) (رنتابیلیتی) و غیره. رانت در تاریخ نظریه اقتصادی در ابتدا به عنوان بازده به ویژگیهای غیر قابل تخریب زمین اطلاق می‌شد و به درآمد منظمی اطلاق می‌گردید که حق امتیازی که مالک زمین به خاطر مالکیت آن یا به خاطر واگذاری زمین به دیگری (عایدات زمین یا مستقلات) رانت به دست می‌آورد.^۱ اما بعدها این مفهوم از عمومیت بیشتری برخوردار شد و امروزه بر هر نوع عواید ناشی از ثابت بودن عرضه یک عامل عمودی است و در نتیجه اگر قیمت آن نهاده در حد صفر یا بیشتر از آن باشد در عرضه نهاده تفاوتی ایجاد نمی‌گردد، بنابراین به هر مقداری بیشتر از صفر که به نهاده پرداخت شود رانت گفته می‌شود. ^۲ اندک توجهی امکان بسط کاربرد این مفهوم در زمینه‌های دیگر را نیز مشخص می‌کند. به سادگی ملاحظه می‌شود بسیاری از امکانات بالقوه کسب درآمد وجود دارند که ناشی از وجود نوعی محدودیت و یا ثابت بودن عرضه هستند. دیوید پیرس در لغت نامه اقتصاد مدرن، رانت را به شکل زیر تعریف می‌نماید: «رانت پرداختی است در ازاء یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر می‌باشد.»^۳ آدام اسمیت میان رانت و دیگر منابع درآمد مزد (Wage) و سود (Profit) تفاوت گذاشته است. به نظر اسمیت «رانت به شیوه‌ای متفاوت از دستمزدها و سودهای بالا یا پایین

سبب بالا یا پایین رفتن قیمت می‌شود. اما رانت بالا یا پایین مسبب قیمت بالا یا پایین نیست بلکه نتیجه آن است.^۱ در واقع رانت تنها درآمدی نیست که مثلاً عاید یک صاحب زمین یا خانه می‌شود بلکه جایزه‌ای در ازاء مالکیت منابع طبیعی است. چنان که ریکاردو معتقد است: «معادن زمین، منبع رانت برای مالکان آنها می‌باشد و این رانت نتیجه بالا بودن ارزش محصولات معادن یا زمین است نه علت آن»^۲ به طور کلی زمانی که از رانت سخن می‌رود منظور «درآمدی است که از مواهب طبیعی عاید می‌گردد.» بدین ترتیب می‌توان دریافت که رانت درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید و در برابر مفاهیمی چون مزد و سود به کار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است.^۳ در این نوشتار منظور از رانت، وضعیتی است که در آن شخص یا گروهی متنفذ در جامعه در صدد تحصیل سود ویژه و امتیازات اقتصادی به بهای تمام شدن هزینه آن به حساب افراد جامعه باشند. چنین رفتاری رانت جویی نامیده می‌شود.^۴ همچنین رانت جویی سیاسی، تلاش و رفتار فرد یا گروه خاص برای کسب امتیازات و انحصارات اقتصادی یا حفظ آن به وسیله سازوکارها و اعمال نفوذ سیاسی است.

رانت جویی سیاسی

هر دو واژه رانت سیاسی و رانت جویی سیاسی به حوزه ادبیات اقتصاد سیاسی متعلق است. اقتصاد سیاسی شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به مطالعه ارتباط میان سیاست و اقتصاد و تأثیرات متقابلی که سیاست و اقتصاد بر یکدیگر می‌گذارند، می‌پردازد. بی تردید رانت جویی سیاسی با ماهیت نظام سیاسی، کارگزاران، فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و روابط قدرت پیوستگی نزدیکی دارد. برخی نظامهای سیاسی بستر مناسبی برای رانت جویی و فساد فراهم می‌کنند و برخی از زمینه‌های رانت جویی سیاسی عبارتند از:

۱. انحصار واردات کالا یا محصول توسط دارندگان رانتهای بازرگانی که

امروز به مافیای بازرگانی مشهورند؛

۲. اخذ وامهای کلان و طولانی مدت با بهره کم به وسیله سازکارهای سیاسی توسط رانت‌جویان وامهای بانکی طولانی مدت توسط عده‌ای؛
۳. آغاز خصوصی‌سازی یا تعدیل ساختاری و شدت گرفتن بدون برنامه، زمینه‌های مهم رانت‌جویی سیاسی بوده است. بسیاری از صنایع و کارخانجاتی که در جریان خصوصی‌سازی به اشخاص متنفذ سیاسی واگذار می‌شوند؛
۴. وجود نرخهای چندگانه ارز از زمینه‌ها و بسترهای مؤثر بر رانت‌جویی سیاسی می‌باشد. یعنی شکاف بین نرخ دولتی و آزاد ارز به نفع اشخاص متنفذ؛
۵. نرخهای چندگانه بهره از دیگر زمینه‌های فساد مالی است. یعنی افراد متنفذ سیاسی و نزدیکان به صاحب منصبان عالی رتبه از اعتبارات بانکی با بهره‌های خیلی پایین برخوردار می‌شوند؛
۶. امتیاز مربوط به خریدهای خارجی برای کشور در اولویت است و از سوی دیگر پورسانتها یا سودهای عمده‌ای از خریدهای خارجی نصیب این اشخاص می‌شود؛
۷. امتیاز احداث واحدهای اقتصادی تولیدی و بازرگانی از نمونه‌های دیگر رانتهای توزیع شده بین رانت‌جویان سیاسی می‌باشد؛
۸. از دیگر موارد رانت جویی سیاسی، واگذاری زمین در بخش مسکن یا امتیاز ساخت برجهای مسکونی و ساختمانهای اداری؛
۹. نفوذ سیاسی و اقتصادی در بورس سهام کارخانجات و واحدهای تولیدی از دیگر سازوکارهای رانت جویی سیاسی است.

دولت رانتیر

در ادبیات مربوط به دولت رانتیر معمولاً چنین دولتی را دارای شیوه خاصی از سیاست و حکومت می‌دانند. این شیوه خاص سیاست و حکومت را رانتیرسم می‌نامیم:

نخست اینکه رانت در کنترل نخبگان حاکم است و دوم اینکه نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌نمایند تا در نتیجه ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند. در این شرایط ممکن است امتیاز دادن به طبقات پایین تر در عمل در تضاد با منافع طبقه مسلط در جامعه باشد، اما در مجموع تا آنجا که به اخذ مالیات و تشکیل ارتش مربوط می‌شود کاملاً همسو با منافع خود دولت است.^۵ دولتی رانتیر است که به دلایل خاصی دارای این ویژگی است که به طور مستقیم دریافت کننده درآمد از فروش کالاها و خدمات با قیمتهایی بسیار بالاتر از هزینه تولید آنها می‌باشد.^۶ دولت رانتیر عبارت است از هر دولتی که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی به شکل رانت دریافت کند. (دولتی که مقادیر قابل توجهی از رانتهای خارجی را به شکل منظم دریافت می‌کند).^۸

دولت رانتیر یک نوع ویژه‌ای از اقتصاد رانتیر است که رانت از طریق دولت و نه به شکل مستقیم به درون اقتصاد سرازیر می‌شود. نوع دیگر اقتصاد رانتیر آن است که رانت به طور مستقیم به دست افراد و گروههای جامعه می‌رسد و دولت دخالتی در آن ندارد. به عنوان مثال پولهایی که توسط کارگران یک کشور که در کشورهای خارجی مشغول به کار هستند، به کشور فرستاده می‌شود. اهمیت نقش دولت در اقتصاد رانتیر از این واقعیت نشأت می‌گیرد که دولت، دریافت کننده اصلی رانت خارجی است، این ویژگی دولت را قادر می‌کند تا نقش اساسی در توزیع رانت نفت بین جمعیت ایفا کند. بنابراین دولت مرکز تحلیل اقتصادهای رانتیر نفتی است، اقتصاد رانتیر صادر کننده نفت به صورت سلسله مراتبی دیده می‌شود که دولت یا حکومت در رأس هرم جای گرفته و به عنوان حامی نهایی سایر رانتیرها در اقتصاد عمل می‌کند. در سال ۱۹۷۰، حسین مهدوی از مفهوم دولتهای رانتیر برای اشاره به وضعیتی که وابستگی به راهنمای خارج (در انتهایی که ارتباط بسیار اندکی با تلاشهای تولیدی کل جامعه دارند) را نشان داد. در حالی که او اساس توجه خود را معطوف بر دولت کرد و تلاش وی بدون بحث در باب روابط مهم اقتصادی بود.

عبدالفاضل و ببلای اهمیت بیشتری بر جنبه اقتصادی آن داده و مفهوم اقتصادهای رانتیر را برای اقتصادی در نظر گرفتند که با رانتهای عاید شده از خارج حمایت مالی جدی می‌شود.^۱ اقتصاد کشورهای صادر کننده نفت وابستگی شدیدی به هزینه‌های دولت دارد چرا که دریافت کننده اصلی رانت خارجی نفت است و از این رو این نگاه اقتصادهای رانتیر نفتی نامیده می‌شوند.^{۱۱} ببلای به منظور تعریف عناصر اصلی اقتصاد رانتیر در کشورهای تولید کننده نفت یادآور می‌شود که هیچ اقتصاد رانتیر خالصی نداریم و هر سیستم اقتصادی برخی از عناصر رانتی را در خود دارد. سپس او با پیروی از مهدوی اقتصاد رانتیر را سیستمی می‌داند که رانت خارجی کاملاً در آن غالب است.^{۱۱}

ساخت اقتصادی مبتنی بر تک یا چند محصولی و بیشتر: فروش مواد خام

ساخت اقتصاد رانتی، نوعی دولت رانتیر یا تحلیل دار (اجاره دار) به وجود می‌آورد که قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت می‌کند. منظور از منابع خارجی همان عواید حاصل از فروش مواد معدنی و خام است نه محصولات تولیدی و صنعتی. ویژگیهای دولت رانتیر عبارتند از:

۱. رانت قسمت عمده درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. هر کشوری که بیش از ۴۲ درصد از درآمدهای آن ناشی از رانت و فروش مواد خام و معدنی باشد، رانتیر محسوب می‌شود.

۲. دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی است و نقش اساسی در هزینه عواید حاصل از رانت را ایفا می‌کند.

۳. در دولت رانتیر فقط درصد بسیار کمی از نیروی کار، درگیر تولید هستند و اکثریت جامعه، دریافت کننده یا توزیع کننده رانت هستند.

۴. رانت هیچ گونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی و اقتصادی داخلی ندارد.^{۱۲}

دولتهای رانتیر با تسلط و انحصاری که بر درآمدهای ناشی از رانت دارند، تا حد

بسیار زیادی در تصمیم‌گیری راجع به چگونگی توزیع رانت و سرمایه‌گذاری آزادی عمل دارند. دولتهای رانتیر بیشتر ماهیت فاسدی دارند زیرا انتها و منابع حاصل از آن را در جهت منابع همگانی و خدمات عمومی کمتر مورد استفاده قرار می‌دهند، در بیشتر این کشورها شبکه‌های ارتباطی، خانوادگی، فامیلی و نفوذ سیاسی به گسترش فساد دامن می‌زنند. نخبگان حاکم، برای تثبیت حکومت، پاره‌ای از افراد و گروههای متنفذ را با توزیع رانتها، دادن وامهای طولانی مدت و کم بهره، بستن قراردادهای مختلف و پادشاهی دیگر به خدمت می‌گیرند. البته دولتهای رانتی به مشروعیت مردمی نیاز دارند و برای کسب و حفظ مشروعیت بخشی از درآمدهای نفتی را در جهت ارائه خدمات اجتماعی به مردم صرف می‌کنند. بدین ترتیب، بیشتر کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت را می‌توان دولتهای رانتیر نامید. رانت خارجی که مستقیماً به خزانه این دولتها سرازیر می‌شود و هیچگونه ارتباط جدی با فعالیتهای اقتصادی داخل کشور ندارد.

پیدایش دولت رانتیر در ایران

ایران در فاصله سالهای ۳۹-۱۳۳۴ به یک دولت رانتیر مبدل گشت و درآمدهای نفتی بزرگترین بخش درآمدی حکومتی را تشکیل می‌داد و نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه ایران می‌توانست بازی کند. اگر چه صنعت نفت از نخستین دهه‌های قرن بیستم در ایران وجود داشته است اما تا نیمه‌های دهه ۱۹۵۰ میلادی به طور محسوس و قابل ملاحظه‌ای اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار نداده است. درآمدهای نفتی بین سالهای ۱۳۳۹-۱۳۳۴ به ۱/۱۱۶ میلیارد دلار افزایش یافت، حال آنکه مجموع این درآمدها بین سالهای طولانی ۱۳۲۸-۱۲۹۲ رقمی بیشتر از ۴۸۳ میلیون دلار نبوده است. فاصله زمانی ۱۹۶۰-۱۹۵۵ که درآمدهای نفتی نزدیک به ۴۲ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل داد، مقطع تاریخی شکل‌گیری دولت رانتیر در ایران است. با از دست رفتن موقعیت انحصاری شرکت انگلیسی در نفت ایران و به دنبال قرارداد ۱۹۳۳ که در آن شاه با اصل تقسیم برابر

با شرکتهای بین المللی موافقت کرد درآمدهای نفتی ایران از ۳۴ میلیون دلار در سال مالی ۱۳۳۴-۱۳۳۳ به ۱۸۱ میلیون دلار در سال مالی ۱۳۳۶-۱۳۳۵، ۳۵۸ میلیون دلار در سال مالی ۴۰-۱۳۳۹، ۴۳۷ میلیون دلار در سال مالی ۴۲-۱۳۴۱ افزایش یافت. در واقع درآمدهای دولت ایران به بیش از ۵ برابر کل دریافت‌های ارزی این کشور در طول بیست سال قبل از آن رسید. جدول زیر به خوبی سهم درآمدهای نفتی را در کل درآمد دولت در سالهای مختلف نشان می‌دهد.^{۱۳}

۱۹۵۴	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۸۹	۱۹۹۵
%۱۱	%۴۲	%۵۴	%۴۹	%۷۸	%۶۵/۹	%۴۷/۴	%۴۷/۶	%۷۰

اقتصاد رانتی پس از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی منجر به استقلال دولت از جامعه شد. تمرکز درآمدهای نفتی در نزد دولت منجر به تشدید استبداد حکومتی شد که کاتوزیان از آن به عنوان استبداد نفتی نام برد. پس از اصلاحات ارضی، قدرت سیاسی زمیندار تضعیف شد و طبقه متوسط جدید، پایگاه رژیم گشت. دولت پهلوی به منظور تثبیت حکومت خود به حمایت این طبقه و خدمات اداری و فنی به ویژه پشتیبانی سیاسی آنها نیازمند بود. با شکل‌گیری اقتصاد و دولت رانتیر، نوعی روحیه رانتی کشور را فرا گرفت، فساد که از عناصر عمده ساخت قدرت سیاسی رانتی است، در این دوره چهره خود را در قالب توزیع منافع و درآمدهای رانتی، بین خانواده شاه، دربار، صاحب منصبان عالیرتبه و نظامیان نشان داد. عواید نفت نوعی بهره مالکانه برای دولت بود و بخشی از عواید نفت در قالب امتیازات و وامهای گوناگون برای سرمایه‌گذاری به وفاداران رژیم سلطنتی پرداخت شد و چنین بود که نفت به عنوان ثروتی خودآمده به بزرگترین تکیه گاه دولت ایران برای پیشبرد مقاصد و اهدافش تبدیل شد.

اثرات رانت

دولت رانتیر در تعامل با جامعه خود شیوه‌ای منحصر به فرد داشته که اثرات رانت و رانتیریسیم بر روی روابط دولت با جامعه کاملاً قابل مشاهده و مطالعه است. رانتی که توسط دولت رانتیر دریافت می‌شود به آن اجازه می‌دهد تا آن را در راستای کسب و حفظ مشروعیت خود به کار نبرد، دولت رانتیر برای کسب و حفظ مشروعیت می‌تواند با مصرف رانت در راستای رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیر حاکم توسط دولت رانتیر اغلب شکل پاتریمونیالیستی یا نوپاتریمونیالیستی به خود بگیرد، به عبارت دیگر ارتباطات خانوادگی و فامیلی به طور آشکار مورد استفاده قرار می‌گیرند تا افراد مورد نظر دولت رانتیر مورد حمایت واقع شوند این حمایت می‌تواند به شکل اعطاء مشاغل عالی‌رتبه قراردادهای نان و آب دار، وام‌های بدون بهره و دیگر مواهب و مزایا باشد. پژوهشگرانی چون راوکینز، بیلای، شیرین‌هانتر، میکال چاتلوس و مهدوی بیان کرده‌اند که استراتژی کلی گروه حاکم این است که قسمتی از ثروت هنگفتی را که از رانت به دست آورده‌اند میان جامعه توزیع نمایند.

تأثیر رانت بر روی دولت

تأثیر عمده کسب مقادیر عظیم رانت بر دولت هنگامی قابل رؤیت است که دولت، دریافت کننده مستقیم و تنها دریافت کننده رانت باشد. الگوی رانتیریسیم زمانی تحقق کامل دارد که رانت تنها تحت کنترل نخبگان حاکم باشد؛ نخبگانی که بر اریکه قدرت تکیه زده و از قدرت انحصاری در تصمیم‌گیری برای هزینه کردن آن برخوردار باشند. این قدرت انحصاری به دو علت به وجود می‌آید. نخست اینکه دسترسی دولت رانتیر به مقادیر عظیم رانت موجب تقویت استقلال آن از جامعه می‌شود. این استقلال به نوبه خود باعث می‌شود دولت، قدرت انحصاری به دست آورد و در اتخاذ و اجرای سیاست‌های خود مجبور به در نظر گرفتن منافع جامعه نباشد. دوم اینکه نخبگانی که رانت را در

اختیار دارند می‌توانند از آن برای جلب همکاری دیگر گروه‌ها و نخبگان در جامعه استفاده کنند و معمولاً چنین می‌کنند. بنابراین، نخستین تأثیر عمده رانت بر دولت این است که استقلال آن را در برابر جامعه افزایش می‌دهد و دولت به علت دارا بودن قدرت انحصاری در استفاده از رانت، از آن برای حفظ و تداوم قدرت انحصاری خویش استفاده می‌نماید.

اهمیت رانتی که مستقیماً به خزانه دولت ریخته می‌شود توسط پژوهشگرانی چون همایون کاتوزیان، فیلیپ راوکینز، کایرن چودری و حازم ببلایوی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این کنترل انحصاری دولت بر رانت است که دولت رانتی را از اقتصاد رانتی مجزا می‌سازد.^{۱۴} تأثیر دوم رانت بر دولت این است که به واسطه وجود رانت، توانایی و کار ویژه استخراجی و باز توزیعی تضعیف می‌شود. برخلاف بیشتر دولت‌ها که برای ادامه حیات چاره‌ای جز گرفتن مالیات از جامعه و صنایع خود ندارند، دولت رانتی نیاز واقعی به گرفتن مالیات ندارد زیرا قسمت اعظم درآمد آن را رانتهای خارجی تشکیل می‌دهد. ویژگیهای دیگر این تأثیر عبارتند از: کنترل رانت توسط نخبگان. این مسأله باعث می‌شود که نخبگان صاحب قدرت در دولت بر روی رانت کنترل پیدا کنند و آن را بر مبنای خواسته‌های خودشان و با توجه به منافع خود و گروه‌های وابسته به خودشان تنظیم و استفاده کنند.^{۱۵} با استقلال دولت از جامعه، دولت در سایه دریافت رانت از خارج دیگر به منابع داخلی درآمد (مالیتهای، عوارض و صدور کالاهای صنعتی) احساس نیاز نمی‌کند و همین باعث عدم نیاز واقعی به گرفتن مالیات از جامعه می‌شود و به تقویت و افزایش استقلال دولت از جامعه منجر می‌گردد.

کسب قدرت انحصاری دولت، استقلال دولت از جامعه باعث افزایش قدرت دولت می‌شود و منابع دولت هم افزایش پیدا می‌کند و جامعه در موضع ضعف نسبت به دولت قرار می‌گیرد و همین باعث کسب قدرت انحصاری دولت و نیز تقابل با جامعه می‌گردد و دولت تبدیل به غولی می‌شود که خود مانع پیشرفت سیاسی است. تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت، به دلیل اینکه دولت رانتی کسب و حفظ مشروعیت بکند نیاز

دارد به توزیع رانت در بین گروهها و افراد جامعه و همین باعث تبدیل شدن دولت به دولت تخصیصی می‌شود که در مقابل دولتهای تولیدی قرار می‌گیرد. گسترش کارکردهای توزیعی برای توزیع رانت در جامعه باعث می‌شود تا دولت با ضعف کار ویژه‌های استخراجی و دوباره توزیعی روبه‌رو شود و نظام سیاسی و اجتماعی به هزینه‌های دولت وابسته شود.^{۱۶} بی‌نیازی دولت از ایجاد دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، با توجه به عدم نیاز واقعی دولت از ایجاد و گرفتن مالیات جامعه و یا گرفتن ناچیز مالیات فرض می‌شود که دولت نیازی به اعطای دموکراسی به جامعه نخواهد داشت. لوسیانی در نوشتاری با عنوان: «بحران مالی دولت و گرایش به دموکراسی» این را ابراز می‌کند که هر چند ممکن است ارتباط مستقیمی بین مالیات‌گیری و دموکراسی وجود نداشته باشد، ولی این یک واقعیت است که هر وقت دولت به طور اساسی به درآمدهای مالیاتی تکیه داشته باشد، تقاضا برای دموکراسی یک امر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین، تا هنگامی که دولتهای رانتیر قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه بدون تکیه به منافع داخلی باشند، به نظر می‌رسد که دموکراسی یک مسأله و مشکل مهم برای آنها باشد.^{۱۷} بنابراین، کشوری که به درآمد حاصل از صدور نفت به سایر نقاط دسترسی داشته باشد، ممکن است مبارزه قدرت و جناح‌گرایی را تجربه کند ولی بعید است که خواست و تقاضای مردم را در حمایت از دموکراسی بپذیرد.

تأثیر دولت رانتیر بر روی اجتماع

۱. تضعیف گروههای اجتماعی: سه گروه اجتماعی در یک دولت رانتیر وجود دارد.
 - الف. گروه تحت‌الحمايگان دولت که بزرگترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند.
 - ب. توده جمعیت شهری که این گروه هم از آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر اقتصاد

داخلی نفع بسیار می‌برند.

ج جمعیت روستایی که این گروه کمترین میزان دریافت دولت را از رانتها دارا می‌باشند.^{۱۸} رانت باعث وابسته شدن بخش خصوصی اقتصاد داخلی از طریق هزینه کردن درآمدهای رانتی توسط دولت می‌شود، وابسته شدن به دولت باعث فقدان یا ضعف منافع مستقل از دولت و در چنین شرایطی گروههای خارج از دولت نمی‌توانند با دولت به چالش بپردازند.

تأثیر بر موانع رشد دموکراسی

رشد حجم بوروکراسی و سازمان اداری دولت رانتیر برای توزیع رانت در میان طبقات و گروههای اجتماعی در راستای کسب مشروعیت و حفظ ثبات سیاسی که به رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروههای غیر حاکم می‌انجامد. از طرفی رشد بوروکراسی گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعدد برای جلب حمایت اعضای گروههای مختلف که دولت رانتیر از آن استفاده می‌کند، کامل می‌شود. در این کشورها نظام دولت سالار که دولت و حکومت حوزه دخالت خود را بسیار وسیع می‌گیرد و استفاده از هر شیوه‌ای رانتیر که در دسترس باشد برای دخالت در جامعه مجاز می‌شمارد. چنین دولتهایی خود را برای دخالت در همه حوزه‌ها دارای حق می‌دانند.^{۱۹}

عرصه دخالت این دولتها تمامی شئون جامعه را به نحوی بسیار مسلط در بر می‌گیرد و در انجام آن برای خود هیچ گونه محدودیتی قایل نیستند. دولت رانتیر روزبه‌روز بزرگتر و گسترده تر شده و در تمام شئون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخالت کرده و به شکل غولی رشد می‌کند که خود مانع دموکراسی است. این دولتها اراده شخصی آنان در حکم قانون لازم الاجرا است. هر گونه مخالفتی اعم از اینکه در مرحله تصور و خیال باشد یا عملاً مورد اجرا در آید تخلف است، اقلیت مخالف مانند مجرمین و گناهکاران خارج از حدود قوانین زندگی می‌کنند و هر یک که به منظور تغییر قوانین،

جمعیتی تشکیل دهند، عضویت در آن جمعیت جرم و مستوجب مجازات خواهد بود. زیرا دسته بندی علیه قانون توطئه بر ضد سلطان یا دولت تلقی می‌شود.^{۲۰} رهبر یک حکومت استبدادی ممکن است مردم کشور خود را مستقیماً به سوی اضمحلال و سقوط سوق دهد. مع الوصف در ضمیر خود گمان می‌برد که آنان را به سوی آینده‌ای درخشان هدایت می‌کند. الفاظ و عبارتهایی مانند سعادت جامعه، رفاه مردم، امنیت عمومی، آسایش مردم و غیره در قوانین کشورها و در سخنرانیهای روسای دول و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ملی و بین‌المللی مکرر در مکرر ملاحظه می‌شود. درک صحیح از اینکه رانت و آثار منفی دولتهای رانتیر چیست، نیازهای اقتصادی و پیشرفت اقتصادی چه هستند، محتوا و قدرت آنها، مستلزم بحث و تبادل نظر است. حقوق سیاسی و مدنی و به ویژه آنهایی که تضمین کننده بحث، مناظره، نقد آزاد و نظر مخالف هستند برای فرایندهای شکل‌گیری انتخابهای آگاهانه و سنجیده نقش اساسی ایفا می‌کنند.^{۲۱} متأسفانه گستره و تأثیر بحث و گفت‌وگوی آزاد و آزادی بیان اغلب در ارزیابی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کم گرفته می‌شوند. با تحقق دموکراسی و شکل‌گیری جامعه مدنی فعال و نیرومند با حضور تشکلات مدنی، سیاسی و اقتصادی قوی تا اندازه‌ای می‌توان انتظار داشت که فساد در جامعه کاهش یابد. در فرایند گسترش دموکراسی، مناسبات سیاسی مانع از گسترش مناسبات غیرقانونی و فساد می‌شود. لزوم پاسخگویی مسئولین، نظام اطلاع‌رسانی شفاف و کنترل و نظارت از پایین به بالا می‌تواند از فساد جلوگیری کند. هر جا جامعه مدنی ضعیف باشد رانت‌جویی سیاسی و فساد بیشتر خواهد شد.

تأثیر بر روابط دولت و جامعه

دخالت دولتها در زندگی اقتصادی و اجتماعی در همه جا بعد ایدئولوژیک و بوروکراتیک دولتها را تقویت کرده است.^{۲۲} دولت رانتیر در تعامل با جامعه خودشیوه‌ای منحصر به فرد داشته که اثرات رانت و رانتیرسم بر روی روابط دولت با جامعه کاملاً

قابل مشاهده و مطالعه است. رانتی که توسط دولت رانتیر دریافت می‌شود دولت را قادر می‌سازد تا از آن برای کسب و حفظ مشروعیت خود استفاده نماید. برای این منظور دولت رانتیر می‌تواند با مصرف رانت در جهت بالارفتن رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیر حاکم در جامعه عمل نماید. جلب همکاری نخبگان و گروه‌های غیر حاکم توسط دولت رانتیر اغلب شکل پاتریمونیالیستی یا نوپاتریمونیالیستی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، ارتباطات خانوادگی و فامیلی به طور آشکار مورد استفاده قرار می‌گیرند تا افراد مورد نظر دولت رانتیر مورد حمایت واقع شوند. این حمایت می‌تواند به شکل اعطاء مشاغل عالی‌رتبه، قراردادهای نان و آبدار، وام‌های بدون بهره و دیگر مواهب و مزایا باشد. پژوهشگرانی چون راوکینز، ببلای، شیرین هانتر، میکال چاتلوس و مهدوی بیان کرده‌اند که استراتژی کلی گروه حاکم این است که قسمتی از ثروت هنگفتی را که از رانت به دست آورده‌اند میان جامعه توزیع نمایند. این رانت در راستای رفاه عمومی جامعه مصرف می‌شود. برای نمونه، فراهم آوردن فرصت‌های مناسب اقتصادی مانند اشتغال و عقد قراردادهای دولتی و همچنین ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی و خدمات دولتی مانند خدمات رایگان بهداشتی و آموزشی و غیره می‌تواند برای حفظ سلطه و مشروعیت دولت رانتیر به کار گرفته شود.

در واقع استفاده از رانت در این راستا می‌تواند حمایت اکثر نخبگان غیر حاکم و گروه‌های جامعه از دولت رانتیر را تضمین نماید و در نتیجه، از بروز بعضی چالش‌ها با قدرت دولت جلوگیری نماید. استفاده از رانت برای جلب حمایت جامعه، یکی از ویژگی‌های عمده و ضروری مدل سیاست و حکومتی است که ما تحت عنوان رانتیرسم از آن یاد کردیم.^{۲۳} تأثیر رانت بر روابط دولت و جامعه در عرصه دیوانسالاری هم قابل ملاحظه است. در این راستا نه تنها می‌توان از رشد حجم دیوانسالاری و سازمان‌داری دولت رانتیر به عنوان یکی از تأثیرات بر روابط دولت و جامعه یاد کرد، بلکه رشد دستگاه دیوانی نیز نتیجه تأثیر رانتیرسم بر روابط دولت و جامعه می‌باشد. توسعه و گسترش

دیوانسالاری را می‌توان به عنوان وسیله‌ای قلمداد کرد که دولت رانتیر به کمک آن هم رانت را به شکل مؤثرتری میان جامعه توزیع می‌کند و هم منبع گسترده‌ای برای اشتغال گروه‌های مختلف جامعه فراهم می‌آورد. همانطور که ایوبی و بیلای هم گفته‌اند، مقادیر هنگفت رانت خارجی که به دست دولت رانتیر می‌رسد، وجود دیوانسالاری گسترده را ضروری می‌سازد تا از آن طریق، دولت نه تنها بتواند سیاست‌های خود را به بهترین شکل اجرا نماید بلکه در توزیع رانت میان جامعه موفق تر باشد. همزمان و شاید مهم تر اینکه دیوانسالاری گسترده به معنای فراهم بودن مناصب متعددی است که دولت می‌تواند برای جلب حمایت اعضای گروه‌های مختلف از آن استفاده نماید. به عقیده ایوبی و بیلای، کار ویژه جلب همکاری اعضای گروه‌های مختلف به کمک دیوانسالاری حتی از کار ویژه دیگر آن یعنی رانت و مدیریت صحیح نیز مهمتر است.^{۲۴} همانطور که پیشتر نیز بیان نمودیم، وابستگی فزاینده دولت رانتیر به درآمد رانت بدین معناست که از فشار مالی بر جامعه کاسته می‌شود. زیرا مالیات دریافتی دولت بسیار ناچیز است.

این مسئله موجب مطرح شدن فرضیه‌ای از سوی پژوهشگرانی چون چودری، راوکینز و بیلای گشته است. بر اساس این فرضیه، دولت رانتیر در مقابل عدم دریافت مالیات از جامعه، به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند دولتی منتخب و نماینده جامعه داشته باشند. به عبارت دیگر، شعار «عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی» جزء اساسی رانتیرسم است.^{۲۵} بدین ترتیب چنین توافقی باعث تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هر چه بیشتر دولت رانتیر می‌گردد. لازم به توضیح است آیا واقعاً چنین توافقی همیشه باعث تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه دولت رانتیر می‌شود؟ در صورتی که انقلاب بعضی از کشورها و نیز ایران عکس این مسأله را نشان می‌دهد. به عنوان مثال نظریه دولت تحصیلدار که تدا اسکاچپول ارایه کرده است همین را نشان می‌دهد. اسکاچپول معتقد است که آنچه باعث انقلاب در ایران شد این بود که نفت به عنوان رانت در اختیار دولت قرار گرفته بود و دولت به صورت غولی

رشد کرده بود و بحران نفتی ۱۹۷۳ هم باعث پنج برابر شدن قیمت نفت شد که در اثر این عوامل درآمد هنگفتی در اختیار دولت قرار می‌گیرد و اقشار جامعه به این درآمد نفتی رانت دولتی وابسته می‌شوند. اما در سالهای بعد که باعث کاهش ۵۰ درصدی درآمدهای دولت می‌شود در این شرایط طبقه متوسط شهری که همواره از رانتهای دولتی بهره‌مند بودند، ضربه خورده و باعث نارضایتی آنها می‌شود و با طبقه سنتی بازار و روحانیت دست به دست هم داده و ائتلاف طبقات متوسط جدید و سنتی در قالب ایدئولوژی تشیع علیه شاه شکل می‌گیرد. چنانچه اشاره شد درآمدهای نفتی در ایران یک رانت محسوب می‌شود که دولت می‌تواند بدون احتیاج به طبقه‌ای خاص، درآمد هنگفتی از آن رانت نصیب خود گرداند و دولت درآمد حاصل از این رانت را بین بخشهای عظیمی از مردم می‌بایست تقسیم نماید و این جامعه است که وامدار دولت محسوب می‌شود و در چنین جامعه‌ای دولت به صورت مافوق همه طبقات ظاهر می‌شود چرا که این دولت است که سود حاصل از رانت را در بین بخشهای عظیم جامعه تقسیم می‌کند ولی این تقسیم رانت به صورت عادلانه صورت نمی‌گیرد و ریشه‌های قیام و انقلاب بخشهای مختلف جامعه هم از همین جا شکل می‌گیرد. مکانیسم تخصیص منابع به مصرف‌کنندگان در جامعه‌ای که بر پایه دولت تحصیلدار است بر حسب تولید و فعالیت آنها نیست بلکه بر پایه نوع نگاه دولت به آنها است. در نظام شاهنشاهی تخصیص منابع و سود حاصل از رانت به درباریان و بعضی از گروهها بیش از سایر قشرهای جامعه بود و اینجا بود که ائتلاف شکننده‌ای در بین اقشار دیگر جامعه به ویژه قشر بی بهره تر از این درآمد رانتهای ایجاد شد. دلیل کاربرد اصطلاح ائتلاف شکننده از سوی جان فوران این است که دولت در چنین جوامعی فراتر از همه طبقات است و یا با چیزی به نام استبداد روبه‌رو است و وقتی دولت فراتر از همه طبقات باشد پاسخگو هم نخواهد بود و دولتی هم که پاسخگوی اعتراض مردم نباشد کار کرد خودش را دارد و کاری به مصرف‌کنندگان و جامعه ندارد و به هر شکلی که خواست رانت را توزیع می‌کند و به خاطر تمایل دولت در توزیع رانت جز قشر

کوچکی که در معرض آن هستند بقیه بی بهره می مانند، آن قشر کوچک هم تا زمانی که در مقام و منصب خود پایدار باشند در اطراف دولت قرار می گیرند و از توزیع رانت بهره مند می شوند. در نتیجه می توان گفت به جز عده ای که در مسیر توزیع رانت هستند، بقیه افراد جامعه از قدرت مستقر ناراضی اند.

تأثیر بر اقتصاد

لزوم دخالت‌های گوناگون دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و گرایش به سوی گسترش، تعدد بیش از حد دستگاه‌های دولتی را به وجود می آورد، بی آنکه از این طریق توانایی دولت برای رسیدگی به مشکلات کاهش یابد.^{۲۶} همین امر تأثیرات بسیاری بر ساخت جامعه می گذارد. که از آن میان، دو تأثیر از همه مهمتر به نظر می رسد که به طور گذرا به ذکر آنها می پردازیم.

۱. رانت باعث حاکم شدن نوعی روحیه رانتی (Rentier Mentality) در کشور می شود. ویژگی عمده روحیه رانتی این است که به گزاره «کار و کوشش علت ثروتمند شدن است» خدشه وارد می آید. به عبارت دیگر در اقتصاد رانتی، کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می آفریند. این روحیه رانتی به طور خودکار پدیده‌ای را به دنبال می آورد که چاتلوس آن را «اقتصاد چرخشی» (Economy Circulation) نامیده است. وی این اصطلاح را در مقابل اصطلاح «اقتصاد تولیدی» (Production Economy) به کار می برد. بنابراین، این وضعیت افراد بستگی به کار و فعالیت تولید ندارد بلکه بیشتر به شانس و موقعیت آنها در ساختار بوروکراسی دولتی بستگی دارد.^{۲۷} دستیابی به چرخه رانت، خیلی مهمتر از دستیابی به کارآیی تولیدی است. تعصبها و تمایلات ضد تولیدی، هم رفتار اقتصادی را تغییر می دهد و هم انتخابها و تصمیمات اقتصادی را به انحراف می کشد. رفتار اقتصادی افراد و شرکتهای در راستای رقابت برای کسب هر چه بیشتر رانت در حال چرخش شکل می گیرد. از همین

رو فعالیتهای تولیدی از کارآیی لازم برخوردار نمی‌باشد. یکی از ابزارهای حفظ مشروعیت دولت تأمین نیازهای مادی جامعه می‌باشد.

۲. دولت رانتیر کسب و حفظ مشروعیت و برای پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده جامعه نو کیسه اقدام به واردات فزاینده کالاهای مصرفی به ویژه واردسازی کالاهای لوکس و مواد غذایی می‌نماید و در نتیجه، وابستگی دولت به این واردات فزونی می‌گیرد. گذشته از این، در دسترس بودن کالاهای وارداتی خارجی که معمولاً ارزان و مرغوب است، ضربه مهلکی بر فعالیتهای تولیدی داخلی وارد می‌سازد و به کاهش تولید داخلی منجر می‌شود.^{۲۸} پژوهشگرانی چون چاتلوس، شمیل و مهدوی به بررسی تأثیرات رانت بر اقتصاد داخلی پرداخته‌اند. یکی از تأثیرات مورد بررسی این پژوهشگران، تمایلی است که دولتهای رانتیر برای گسترش تولیدات داخلی و در نتیجه، کاهش وابستگی به رانت خارجی از خود نشان می‌دهند. این تمایل در اغلب موارد به ایجاد صنایعی منجر شده است که کارآیی لازم را ندارند و به هیچ وجه در سطح جهانی رقابتی نیستند. در این ارتباط به کاهش تولیدات کشاورزی و عدم توجه به آن نیز پرداخته شده است. در واقع، در دسترس بودن مقادیر عظیم رانت خارجی باعث شده تا واردات مواد غذایی راحت‌تر و کم هزینه‌تر از تولید داخلی باشد. همچنین فرصتهای جذابی که در شهرها به وجود می‌آید باعث جذب نیروی کار کشاورزی به شهرها شده است. همچنین دولت رانتیر با ارائه خدمات رایگان یا ارزان باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌گردد و در سایه دخالت دولت همه بخشهای اقتصادی به دولت وابسته می‌شوند.^{۲۹} در چنین شرایطی چون دولت به مهمترین واگذار کننده اعتبارات تبدیل می‌شود، گروههای اجتماعی و سیاسی جامعه به علت وابستگی اقتصاد دولت رانتیر نمی‌توانند این دولت را در زمینه‌های گوناگون به چالش بگیرند. در صورتی که این گروهها در صدد مقابله و یا مخالفت با دولت رانتیر باشند، دولت منابع درآمد آنها را قطع می‌کند و قدرت آنها را از بین می‌برد.

تأثیر بر پیشرفت اقتصادی ایران

مهمترین بازیگر اصلی صحنه پیشرفت اقتصادی دولتهای رانتیر، دریافت کننده مستقیم درآمدهای حاصله از فروش ثروتی خود آمده به نام نفت خام است که همان دولتها هستند.^{۲۰} بخشهای مختلف اقتصادی از مهمترین آثار ضد توسعه اقتصادی است که وجود ثروت خود آمده نفت آنها را به اقتصاد ایران تحمیل و مانع شکوفایی و توسعه یافتگی اقتصادی آن شده است. پیشرفت به فرایندی از تغییر و دگرگونی گفته می‌شود که نه تنها در زمینه اقتصادی، بلکه در زمینه نظام اجتماعی، سازمان سیاسی و بالاخره ضوابطی که رفتارهای انسانی را در جامعه رهبری می‌کند نیز اثر می‌گذارد.^{۲۱} پیشرفت اقتصادی پدیده‌ای کلی از رشد اقتصادی و شامل جوانب کمی و کیفی شده و عبارت است از رشد اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه، کاهش خط فقر و بیکاری افراد جامعه که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه می‌گردد، به طوری که دستیابی به غایات مطلوب زمینه‌های تحولات اقتصادی را نیز فراهم می‌سازد.^{۲۲} رشد اقتصادی همواره نمایانگر پیشرفت اقتصادی نمی‌باشد و بلکه ممکن است مانند برخی از کشورهای صادر کننده نفت شاهد رشد سریع اقتصادی بوده باشیم و به دلیل عدم بهبود بنیانهای اقتصادی و تغییرات کیفی، دستیابی به روند توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نباشد.

کشورهای صادر کننده نفت خام با سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی و اکتشاف نفت خام به موازات مصرف‌گرایی و خرید تسلیحاتی غیر منطقی و صدور بخش اعظم سرمایه‌ها به بانکها و نهادهای مالی کشورهای صنعتی و کاملاً به فروش و مصرف درآمدهای نفتی وابسته شدند، به طوری که حیات اقتصاد آنها تا اندازه زیادی به استخراج و فروش نفت خام و مواد پتروشیمی وابسته است. این‌گونه کشورها به لحاظ اقتصادی به سرعت رشد کردند ولی روند پیشرفت اقتصادی بسیار ناموزون و غیر کارآمد بوده است. بخش خدمات صنایع وابسته به نفت بسیار گسترده و تأمین کننده در صد عمده‌ای از تولید

ناخالص داخلی کشورها را تشکیل داده است، لیکن صنایع به طور مستقل در این گونه کشورها جایگاهی نداشته‌اند. کشورهای صادر کننده نفت خام یا رانتیر نیز از سرمایه‌های استحصال‌ی به درستی استفاده نکردند. رشد اقتصادی اینگونه کشورها بیشتر میل به گسترش در بخش خدماتی داشته است و صنایع ایجاد شده در این گونه کشورها اغلب به لحاظ عوامل غیر اقتصادی توسعه بازدهی مطلوبی نداشته‌اند. سیل عظیم رانت موجب عدم توجه به بخش کشاورزی گردید و سیل مهاجرت روستا به شهر و ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای دولت‌های حاکم فراهم ساخت، تورم، افزایش بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی، ایجاد مشاغل کاذب و مانند اینها همگی حاصل تخصیص نامطلوب درآمدهای نفتی بوده‌اند. به علاوه بخشی از این سرمایه‌ها به خارج نیز منتقل گردید. بخش قابل ملاحظه‌ای نیز صرف مخارج نظامی شد به طوری که بودجه نظامی ایران طی این دوران همواره بالاتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی بوده است. در مجموع استفاده از سرمایه‌های نفتی، بر روند پیشرفت اقتصادی در این گونه کشورها به سرعت قابل انتقال نبوده است. همگام با افزایش رشد اقتصادی دیده شده است که تزلزل ساختارهای کهن اقتصادی در این گونه کشورها پدیدار شده است و در نهایت زمینه‌های بحران جهت تغییرات عمده اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته است. وابستگی رشد اقتصادی به قیمت‌های فزاینده نفت خام مهمترین عامل تزریق دلارهای نفتی بر پیکره اقتصادی این گونه کشورها بوده است. به طوری که امروز نوسان قیمت نفت خام می‌تواند تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای را برای اینگونه کشورها فراهم سازد و باعث بروز بحرانهای اقتصادی و اجتماعی گردد. از اثرات نامطلوب رشد درآمدهای رانتی بر روند توسعه دولت‌های رانتیر:

۱. بخش کشاورزی: بزرگترین قربانی افزایش بهای نفت خام کشورهای پرجمعیت و صاحب کشاورزی اوپک شامل این بخش بوده است. در کشورهایی مانند ایران که تا دهه ۱۹۶۰ کشاورزی یکی از بخشهای عمده اقتصاد و تأمین کننده احتیاجات غذایی و ایجاد اشتغال بوده است پس از افزایش سریع قیمت نفت به تدریج سهم بخش کشاورزی در

تولید ناخالص داخلی رو به کاهش گذاشته و در عوض صنایع وابسته به خارج بخش اعظمی از عایدات حاصله از نفت را به خود تخصیص دادند و با خرید محصولات کشاورزی از خارج از افزایش قیمت تولیدات داخلی جلوگیری نمود و این امر به اضمحلال کشاورزی و کاهش تولیدات داخلی منجر گشت و روند صعودی خرید محصولات کشاورزی از خارج ادامه و سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی به کمتر از ۶ درصد رسید.^{۳۳} به عبارت دیگر سهم نفت در تولید ناخالص ملی از ۲۷ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۵۴ رسید در حالی که سهم کشاورزی از ۱۶/۵ درصد به ۹/۴ درصد و سهم صنعت از ۲۰ درصد به ۱۵/۴ درصد تنزل کردند.^{۳۴}

۲. ایجاد صنایع وابسته: سرمایه‌گذاریهایی صنعتی از سوی کشورهای صادر کننده نفت خام اغلب دارای بازدهی مطلوبی نبوده‌اند زیرا مشکلات زیربنایی، کمبود نیروی انسانی، ضعف سازمانی، اجرای طرحهای غیر اقتصادی و ناکافی بخش کشاورزی موجب وابستگی به واردات مواد اولیه بسیاری از این صنایع شده است که در گذشته از طریق بخش کشاورزی امکان تأمین داشته است.

۳. رواج مصرف گرایی: با وجود عدم توزیع عادلانه درآمدهای نفتی در میان افراد جامعه کشورهای صادر کننده نفت خام و تشدید بی‌عدالتی، مصرف‌گرایی گسترده مانع از ایجاد روحیه خلاقیت و ابتکارات لازم در جهت پیشرفت اقتصادی کشورهای صادر کننده نفت گردید. این پدیده، خلاقیت و نوآوری را کاست و به علاوه موجب اتلاف بیهوده ارزهای مورد نیاز برای سرمایه‌گذاریها در بخشهای تولید و کشاورزی شد تا جایی که تنها در سال ۱۹۸۱ کشورهای عضو اوپک اقدام به خرید ۱۲۴ میلیارد دلار کالا کردند که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آن از طریق کشورهای صنعتی باختر زمین وارد شده است. از این رو، خریدهای عمده و غیر منطقی تسلیحاتی که توسط کشورهایی مانند عربستان سعودی و کویت نیز در این ردیف قرار می‌گیرند.

۴. افزایش فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی و دگرگونیهای اجتماعی نامناسب: انتقال

درآمدهای نفت از طریق مؤسسات داخلی به بخش خصوصی باعث پدید آمدن قشر جدیدی از سرمایه‌داران شد که به کارخانجات، ساختمان سازی، واسطه‌گری و غیره سوق یافتند. درآمدهای هنگفت ناشی از رانت، از طریق خرید و فروش، دلالی و بورس بازی و احتکار کالا سبب کاهش علاقه به کار و فعالیت اقتصادی در بین سرمایه‌داران گردید و سرمایه‌گذاری در این بخشها بیش از سرمایه‌گذاری در بخش تولید و امور زیربنایی ر حجان داشت.

۵. پیامدهای نامناسب: نتایج نامطلوب صنعتی شدن مانند شهرگرایی، مهاجرت و اعتیاد، رونق فساد و انحطاط اخلاقی، فساد اداری و ارتشاء، ناتوانی دولت و دستگاههای بوروکراسی برای تخصیص مناسب ارزهای حاصله از فروش نفت در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور و غیره از آثار بسیار منفی رانت و دولتهای رانتیر می‌باشد.

دستاورد

به طور خلاصه رانت و دولت رانتیر دارای پیامدهای مختلف و متعددی می‌باشد که در این نوشتار به بعضی آثار آن پرداخته شده است. رانتی که توسط دولت رانتیر دریافت می‌شود به آن اجازه می‌دهد تا در راستای کسب و حفظ مشروعیت خود به کار بندد. ارتباطات فامیلی و خانوادگی به طور آشکار مورد استفاده قرار گیرند و حمایت به شکل اعطاء مشاغل عالیرتبه، قراردادهای نان و آبدار و وامهای بدون بهره و غیره صورت می‌گیرد و همچنین دولت بر روی رانت کنترل پیدا می‌کند و آن را بر مبنای خواسته‌های خودشان با توجه به منافع خود و گروههای وابسته خودشان تنظیم و استفاده می‌کنند. رانت موجب کسب قدرت انحصاری دولت رانتیر و نیز تقابل با جامعه می‌گردد و دولت تبدیل به گولی می‌شود که خود مانع دموکراسی است. از آثار دیگر دولت رانتیر تضعیف گروههای اجتماعی و حمایت از گروههای تحت‌الحمایه است که بزرگترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند و پیامدهای دیگر آن بر اقتصاد جامعه است که روحیه رانتی

به کار و کوشش که علت ثروتمند شدن است خدشه وارد می‌آورد. به عبارت دیگر کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفریند و در نهایت ضربه مهلکی بر فعالیتهای تولیدی داخلی وارد می‌سازد. از دیگر پیامدهای رانت و دولت رانتیر آثار ضد توسعه اقتصادی آن است که مانع شکوفایی و توسعه یافتگی اقتصادی می‌شود و همچنین بر سهم بخش تولیدات کشاورزی است که تولید ناخالص داخلی رو به کاهش می‌گذارد و موجب افزایش مصرف‌گرایی می‌گردد. در پایان باید به آثار بسیار منفی که باعث می‌شود رانت‌جویان سیاسی از رهگذر ساز و کارها و نفوذ سیاسی به رانتهای اقتصادی برسند عبارتند از: اخذ وامهای کلان طولانی مدت با بهره کم، بهره مندی از نرخهای چندگانه ارز، انحصارات در بخش واردات به ویژه در مناطق آزاد بازرگانی، امتیاز تأسیس واحدهای تولیدی و بازرگانی، خرید منابع دولتی به بهای اندک و تقریباً به شکل مناقصه، انحصار خریدهای خارجی برای کشور با درصد پورسانت بالا برای خریداران، امتیازات در ساخت مسکن، برجهای مسکونی و غیره می‌باشد. □

پی‌نوشتها:

1. www.iccim.org/Persien/Magazine/1380/Tir/4.htm.
۲. محمد طیبیان، «رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه»، *مجله برنامه و توسعه*، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، ص ۳.
۳. امیرمحمد حاجی یوسفی، *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۶.
۳. همان، ص ۳۷.
4. Leon Felkins, Rentseeking Behavior: <http://www.p.10>.
۵. تداکچاق پول، *دولتهای و انقلابهای اجتماعی*، ترجمه سیدمجید روئین‌تن، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶، ص ۴۹.
6. H. Beblawi and G. Lnciani (ed.s), *The Rentier State*, London: Helm, 1987, pp. 11-12.
۷. امیرمحمدحاج یوسفی، همان، ص ۳۷۰.
۸. خالد عبدالله، «دولت در اقتصاد رانتیر نفتی (بررسی مورد بحرین)»، ترجمه جعفر خولهان، *مجله فرهنگ‌اندیشه*، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۹. همان، ص ۱۲۲.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۳.
۱۲. مجموعه آماری، *آمارهای نفتی اجتماعی تا سال ۱۳۷۵*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
۱۳. امیرمحمدحاجی یوسفی، همان، ص ۳۹.
۱۴. عبدالعلوم شکاری، *نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۳.
۱۵. همان، ص ۳۴.
۱۶. جیاکومولوسیانی، «بحران مالی دولت و گرایش به دموکراسی»، *فصلنامه خاورمیانه*، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، ص ۴۲۶.
۱۷. عبدالعلوم شکاری، همان، ص ۳۵.
۱۸. حسین عظیم، «کارکردهای نظام سیاسی در توسعه»، *همشهری*، شماره ۱۱۷۴، سال پنجم، ۱۳۷۵/۱۰/۳۰، ص ۶.
۱۹. ابوالقاسم طاهری، *حکومتهای محلی و عدم تمرکز، چاپ چهارم*، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۸، ص ۷۰.
۲۰. آمار تیلانس، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغب، تهران: کویر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴.
۲۱. حسین بشیریه، *دولت عقل*، تهران: موسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴، ص ۱۸۲.
۲۲. امیرمحمد حاجی یوسفی، همان، ص ۴۰.
۲۳. همان، ص ۴۰.
۲۴. همان، ص ۴۱.
۲۵. نیلمان اورس، *ماهیت دولت در جهان سوم*، ترجمه بهروز توانمند، تهران: نشر آگاه ۱۳۶۲، ص ۲۵۲.
۲۶. شکاری، همان، ص ۳۷.
۲۷. همان، ص ۳۷.
۲۸. همان، ص ۳۷.
۲۹. محمدعلی کاتوزیان، «نفت و توسعه اقتصادی در خاورمیانه»، ترجمه علیرضا طیب، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۷۹ و ۸۰، ص ۷۷.
۳۰. مایکل تودارو، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجاکری، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ص ۱۳۶.
۳۱. پرویز و رجاوند، *تأثیر پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی*، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۸، ص ۸۴.
۳۲. سمیه تانت، *مسائل سیاسی اقتصادی نفت*، تهران: دانشگاه مفید، نیمسال دوم ۱۳۷۱-۱۳۸۰، ص ۲۵.
۳۳. بانک مرکزی ایران، همان، ص ۲.
۳۴. سعید احدی‌فر، *درآمدهای نفتی توسعه و جهان سوم*، تهران: انتشارات نظری ۱۳۷۴، ص ۷۰.